

قلمروها، روش‌ها و راهبردهای دستیابی به استقلال در گام دوم انقلاب اسلامی

محمدصادق احمدی^۱

سید فردین رضایی^۲

اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب؛ الگوی نظام انقلابی تمدن ساز

International Conference on the Second Step of the Revolution

چکیده

استقلال در دانش حقوق به معنای اعمال حاکمیت دولتی در محدوده مرزهای جغرافیایی و دفاع از مرزها در برابر تجاوز و دخالت‌های خارجی است. تأکید قرآن بر عزت مسلمانان و جامعه اسلامی، نفی سلطه کفار و مبارزه با آن، طرد و نپذیرفتن سلطه و سرپرستی کافران، بی‌میلی و اعتمادداشتن به کافران، پیروی نکردن از اهل کتاب و مشرکان و آیات بسیاری که ضمن گوشزدکردن دشمنی کفار و مشرکین با مسلمانان، بر حفظ مرزهای هویتی تأکید دارد، همگی بیانگر تأکید بر استقلال به عنوان یک وظیفه دینی است.

استقلال ابعاد گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی دارد که چالش‌ها و موانعی، از جمله دشمنی نظام سلطه و دولت‌های زورگو، تهاجم فرهنگی، نفوذ و کوشش در مسیر تغییر نظام باورها از طریق جنگ نرم، ایجاد جنگ‌های نیابتی، تغییر هویت دینی، خوش‌بینی به غرب و عناصر نفوذی در کشور و خودباختگی در همه شئون بر سر راه آن وجود دارد. کاربست سبک زندگی اسلامی - ایرانی، مدیریت براساس آموزه‌های فقهی، تولید دانش‌های اسلامی در عرصه علوم انسانی، استحکام درونی جامعه در سایه اخلاق و ایمان، و تلاش و مدیریت جهادی از مهم‌ترین روش‌ها و راهبردهای دستیابی و حفظ استقلال هستند.

آثار، نتایج و دستاوردهای استقلال‌خواهی در انقلاب اسلامی در بُعد خارجی را می‌توان در رهایی از نفوذ و مداخلات قدرت‌های خارجی، درهم‌شکستن ابهت و اقتدار قدرت‌ها، مبارزه با ساختار ظالمانه نظام بین‌الملل و تلاش در مسیر تغییر موازنه جهانی برای مقابله با دولت‌های سلطه‌جو، تنظیم مناسبات سیاسی - فرهنگی بر مبنای اسلام، دفاع عزت‌مندانه از حقوق خود در عرصه بین‌المللی و دمیدن روح استقلال‌طلبی در میان ملت‌ها مشاهده کرد. در بُعد داخلی نیز آزادی، حاکمیت مردم بر سرنوشت خود، پیشرفت در همه عرصه‌ها، ایجاد

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین (ع) (نویسنده مسئول)
۲. پژوهشگر.



تحول درونی، دستیابی به عزت نفس و احساس هویت، استواری حاکمیت اسلام بر پایه ولایت فقیه، رهایی از دیکتاتوری وابسته، تلاش برای ایجاد دانشگاه مستقل و تراز انقلاب اسلامی و پیشرفت در همه عرصه‌هاست.

انقلاب اسلامی با ایجاد روحیه ایثار و شهادت، سلطه طلبی، نظام سلطه و تفکرات متأثر از آن را به چالش کشیده و الگویی برای ریشه‌کنی استعمار و استقلال تمام ملت‌های مستضعف، به‌ویژه آزادی و استقلال واقعی ملت‌های مسلمان، شده است.

واژگان کلیدی

قلمرو، استقلال، عزت، حاکمیت، انقلاب اسلامی

مقدمه

استقلال از نظر لغوی، به معنای ضابط امر خویش بودن، به‌خودی‌خود به کاری برایستادن (دهخدا، ذیل واژه استقلال) و به کاری پرداختن بدون مشارکت دیگران آمده است. در اصطلاح، استقلال مفهومی مضاف بوده و در دانش حقوق به معنای اعمال حاکمیت یک دولت در محدوده مرزهای جغرافیایی و دفاع از مرزها در برابر تجاوز و دخالت‌های خارجی است؛ یعنی، زمامداری کشور از نظر حاکمیتی، تابع زمامداری دیگر کشورها نباشد. براساس حقوق بین‌الملل پذیرفته شده، هر یک از دولت‌ها در اداره کشور خود صلاحیت انحصاری و لازم‌الاحترام در اعمال حاکمیت دارند. به این معنا، استقلال یک ارزش به‌شمار می‌رود و به معنای داشتن امکان تأمین ارزش‌های زندگی انسان با اعطای آزادی انتخاب سرنوشت به وسیله خود است (Hague, 2011: 14).

هرچند از آغاز شکل‌گیری دولت‌ها، استقلال ارزش شمرده می‌شده است، استقلال سیاسی پس از شکل‌گیری دولت‌های مدرن، معنای تازه‌ای یافت؛ چراکه، کشورها برای تأمین بسیاری از مایحتاج خود نیازمند ایجاد روابط سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی با دیگر کشورها شدند. پیش از آن، غالب نیازهای مردم یک کشور در داخل مرزهای آن برطرف می‌شد. ولی پس از شکل‌گیری دولت‌های مدرن و گسترش حمل‌ونقل و نیازهای مردم به آن‌چه در بیرون از مرزها قرار داشت، بحث از استقلال سیاسی نیز در ادبیات علوم سیاسی



مطرح شد. در این پروسه، سهم‌خواهی قدرت‌های بزرگ از کشورهای ضعیف‌تر در مردم کشورهای تحت‌سلطه احساس نیاز به استقلال سیاسی را بیش از دیگر کشورها برانگیخت (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۹: ۸۷-۱۱۸؛ عمار، ۱۳۹۱: ۱۱۷-۱۳۶).

در دانش سیاسی، استقلال دارای دو بعد داخلی و خارجی است و به معنای برقراری روابط کشور با دیگر کشورها در عرصه خارجی و آزادی عمل در چهارچوب سرحدات کشوری در بُعد داخلی است. (آقابخشی و افشاری‌راد، ۱۳۷۶: ۲۶۹) چنان‌که برخی بر این باورند که استقلال بُعد خاصی از اقتدار عالی هر دولت را نشان می‌دهد و متضمن نفی اعمال حاکمیت و نفوذ دولت‌های دیگر است (مورگنتا، ۴: ۴۹۹).

استقلال، آرمان اساسی گفتمان انقلاب اسلامی، ازسویی بر قطع دخالت بیگانگان (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۶/۳/۳۱) و ازسوی دیگر، بر حاکمیت ملت ایران بر سرنوشت خود، احیای هویت دینی، خودکفایی اقتصادی و تأمین نیازهای کشور در ابعاد گوناگون استوار است (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۶/۱۱/۱۹). در قانون اساسی و دیگر اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران، ازجمله تدوین افق بیست‌ساله، به آرمان استقلال توجه شده است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی چهارده‌بار واژه استقلال به کار رفته است. دراصل سوم قانون اساسی، هرگونه استعمار و وابستگی به بیگانه نفی شده و دولت جمهوری اسلامی موظف شده است تا برای دستیابی به این هدف و طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب، همه امکانات خود را به کار گیرد. در اصل نهم نیز بر این امر تأکید شده است که هیچ فرد، گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی، به استقلال سیاسی، فرهنگی اقتصادی و نظامی و تمامیت ارضی ایران خدشه‌ای وارد کند.

قلمروهای استقلال

استقلال برای فرد و جامعه به‌عنوان ارزش مطرح است و باید برای کسب و پاسداری آن تلاش کرد؛ چراکه، زندگی شایسته انسانی فقط در معاش او خلاصه نمی‌شود و رفاه مادی فارغ از ارزش‌های یادشده آسایش و آرامش را از انسان سلب می‌کند (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۰/۱۰). این امر نشان می‌دهد استقلال دارای ابعاد گسترده سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی است که همه به هم مرتبط‌اند و از همدیگر تأثیر و تأثر می‌پذیرند (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۴۱۱).



استقلال درونی

مراد از درونی بودن استقلال متحول شدن افراد در مسیر کسب استقلال فردی و سپس کوشش برای ایجاد جامعه مستقل است. از این منظر برای داشتن جامعه مستقل، نخست باید انسان‌های مستقلی داشت که به سمت ایجاد جامعه مستقل تلاش و حرکت کنند؛ بنابراین، هر ملتی و تحت هدایت هر رهبری تا زمانی که به استقلال معتقد نشود و اهمیت آن را درک نکند، از قید و بند وابستگی‌های رهایی نمی‌یابد (منصوری، ۱۳۶۶: ۳۲-۳۳).

۳.۱. استقلال فکری و فرهنگی

استقلال فکری در کشور هنگامی به دست می‌آید که مردم به این باور برسند که بیگانگان برتری ذاتی بر آنان ندارند و ایشان نیز با همت و پشتکار خود می‌توانند به سازندگی، پیشرفت، نوآوری و تعالی برسند. شرط تحقق استقلال فکری در ملل مسلمان، ایجاد تحول عمیق اندیشه‌ای و بازگشت به فرهنگ غنی اسلام است (منصوری، ۱۳۹۰: ۲۵۷).

استقلال فکری ریشه استقلال فرهنگی است که به معنای عدم وابستگی فکری و ارزشی به کشورهای بیگانه است؛ به گونه‌ای که، کشور بتواند با افکار و تمایلات و خصیصه‌های فکری خود زندگی کند (هاشمی، ؟، ج ۱: ۱۷۶). استقلال فرهنگی نهادینه شدن ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را در پی دارد که نتیجه آن مقاومت و ایستادگی در مقابل فرهنگ بیگانه است. در یک کلام، استقلال فرهنگی آن است که ملتی، کورکورانه تابع و دنباله‌رو فرهنگ بیگانه نباشد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۹/۲/۲۳).

استقلال فرهنگی در استقلال فکری ریشه دارد و استقلال فکری نخستین گام برای رسیدن به استقلال و خوداتکایی است؛ به همین دلیل، در گفتمان انقلاب اسلامی هدف نظام آموزشی و دانشگاه‌ها آن است که نسل جوان کشور را مستقل تربیت کنند تا این باور را ایجاد کند که ایران دارای فرهنگ بزرگی است و همین امر موجب شده این کشور در طول تاریخ، منشأ صدور فرهنگ به دیگر نقاط جهان باشد (حدیث ولایت، ؟، ج ۱۰: ۷۶).

بر استقلال فرهنگی آثار فراوانی مترتب است. فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های ملت‌هاست و در کسب، حفظ و استمرار استقلال سیاسی نقش اساسی ایفا می‌کند (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۱: ۳۸۵-۳۹۳). استقلال فرهنگی زمینه‌ساز استقلال‌های دیگر است.



بدون استقلال فرهنگی، استقلال سیاسی، اقتصادی و نظامی نیز ممکن نخواهد بود. ملتی که غرب زده است و استقلال فکری ندارد، به طبع، در زمینه‌های دیگر نیز استقلال نخواهد داشت؛ زیرا، وابستگی فکری و وابستگی در دیگر زمینه‌ها را نیز در پی دارد. راهبرد کسب استقلال فکری و بیرون رفتن از زندان وابستگی فکری، این است که هر ملتی، مفاخر و مآثر و فرهنگ خود را بشناسد (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۹: ۱۸۵-۱۸۶). تأکید ملت‌ها بر استقلال فرهنگی، بازتاب عملکرد کشورهای استعمارگر در هدف قراردادن فرهنگ، هنجارها و ارزش‌های جوامع دیگر و سلطه فرهنگی است. اگر ملتی بتواند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادات خود، و در مرحله بالاتر زبان و خط خویش را در ملت دیگری نفوذ دهد، بر آن ملت مسلط است و سلطه او یک سلطه حقیقی است (حدیث ولایت، ج ۴: ۵۰). به موازات اهمیت استقلال فرهنگی و در مقابل آن، نخستین گام استعمارگران برای ایجاد وابستگی و نفوذ در جوامع زیر سلطه استعمار فرهنگی است. بهره‌کشی از افراد یا کشورها مستلزم سلب شخصیت فکری و هویتی افراد و کشورهاست. تجددزدگی حالتی است که فرد نسبت به هویت و داشته‌هایش بدبین و در مقابل، به هر آنچه از ناحیه استعمار عرضه می‌شود، شیفته باشد (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۶۰-۱۶۱). هدف استعمارگران از ترویج بی‌هویتی فرهنگی، بی‌ریشگی تاریخی، فقر و نیازمندی به دیگران در ملل تحت سلطه و عقب‌نگه‌داشته شده تسهیل سلطه است. در مقابل، خودباوری و خودآگاهی ملت‌ها سبب ایستادن روی پای خود می‌شود و بی‌نیازی از دیگران برای اداره مملکت به منافع سلطه‌گران و استعمارگران ضرر وارد می‌کند (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۴/۱/۳۰).

وابستگی فرهنگی در مقابل استقلال فرهنگی و متمایز از خودباختگی فرهنگی است. خودباختگی فرهنگی در مرحله فکر و اندیشه است، ولی وابستگی فرهنگی در مرحله عمل و اجرا و تن دادن به نتایج خودباختگی فرهنگی است. بدین ترتیب، وابستگی فرهنگی مرحله‌ای پایین‌تر از خودباختگی فرهنگی است. همان‌گونه که، خودباوری فرهنگی مقدمه استقلال فرهنگی است. در خودباوری فرهنگی، فکر و اندیشه از خودباختگی رها و آزاد می‌شود (حدیث ولایت، ج ۴: ۵۰، خودباوری).

نظام سلطه با استفاده از مجامع و کنوانسیون‌هایی مانند ۲۰۳۰، که مطابق میل خود تهیه و تنظیم کرده است، کشورهای مستقل را به تبعیت از ارزش‌های خود وادار می‌کند (مقام



معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۷/۳/۳۰) و از این طریق، راه نفوذ فکری و فرهنگی به کشورهای مستقل را هموار می‌سازد و از این راه، در پی سلطه فکری و فرهنگی بر ایشان هستند (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۶/۳/۳۱، ۱۳۹۷/۲/۱۹).

۳،۲. استقلال سیاسی

یکی از مشکلات اساسی کشورهای استعمارزده در دوران معاصر، مسئله استقلال سیاسی است که در بسیاری از این کشورها بر اثر سلطه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی کشورهای استعمارگر، درحقیقت به شهر یا استانی از کشور سلطه‌گر تبدیل شده‌اند. بر همین اساس، انقلاب اسلامی نسبت به مسئله استقلال، به‌ویژه استقلال سیاسی، بسیار حساس است و از همان سال‌های شروع نهضت در قالب اعتراض به لایحه کاپیتولاسیون و مصونیت اتباع آمریکا در ایران، به آن واکنش نشان داد (قاضی‌زاده، ۱۳۷۷: ۴۸۲-۴۸۴). استقلال سیاسی کشور از جایگاه مهمی برخوردار است و به این معناست که مدیران و مسئولان و سران کشور در تعیین خط‌مشی و اجرای برنامه‌های کشور، پیرو دستور بیگانگان و مداخله آنها نباشند (منصوری، ۱۳۹۰، ۲۵۷). پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، وابستگی کشورها به یکی از دو قطب سیاسی شرق و غرب امری اجتناب‌ناپذیر بود و کشورها این امر را پذیرفته بودند و ادعای استقلال سیاسی هم نداشتند. انقلاب اسلامی با شعار «نه شرقی و نه غربی»، نظامی بدون وابستگی به شرق و غرب و متکی بر ارزش‌های اسلامی را بنیان نهاد. در جمهوری اسلامی ایران، استقلال سیاسی حاکی از اتخاذ تصمیمات به‌وسیله دولت اسلامی است (آقابخشی، افشاری‌راد، ۱۳۷۶، ج ۳: ۲۷۷).

استقلال سیاسی نقطه مقابل وابستگی سیاسی است؛ بدان معنی که کشوری محکوم و تابع اراده دیگران نباشد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۹/۲/۲۳) و به‌لحاظ ایجابی، آن است که ملتی از نظر سیاسی، امور داخلی و خارجی کشورش را خود ساماندهی کند (مطهری، ۱۳۸۷: ۱۶۰). کشور وابسته از لحاظ سیاسی، قدرت و انگیزه لازم برای حفظ آزادی و استقلال اقتصادی را ندارند. استقلال سیاسی زمینه‌ساز، استقلال اقتصادی و بالاتر از همه استقلال فرهنگی با طرد نشانه‌های فرهنگ منحط و فاسد غربی از جامعه است (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۶۸: ۳۵۶).



استقلال اقتصادی به معنای نداشتن وابستگی در ابعاد گوناگون اقتصادی و جلوگیری از غارت منابع اقتصادی کشور از سوی قدرت‌ها و دولت‌های بیگانه است و البته، با مبادله اقتصادی میان کشورها منافاتی ندارد (منصوری، ۱۳۹۰: ۲۵۷). برای دست یافتن به استقلال اقتصادی باید به خودکفایی رسید تا عزت ملی محفوظ بماند. عزت ملی در مدیریت اقتصادی به این معناست که دولت و نظام به مردم و ملت خود متکی باشد. عزت ملی در مسائل اقتصادی به این معناست که کشور به قدرت خودکفایی برسد تا بتواند اگر چیزی نیاز دارد، از کشورهای دیگر بگیرد و چیزی هم که کشورهای دیگر دنیا به آن نیاز دارند، به آنها بدهد؛ نه این که مقهور و مغلوب قدرت‌های دیگر باشد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۸/۳/۱۴). برای رسیدن به خودکفایی اقتصادی با جهت‌دهی به تولید (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۶/۱۰/۱۳) و مدیریت روند واردات و صادرات (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۹/۱/۶) می‌توان استقلال اقتصادی را تأمین کرد.

استقلال اقتصادی مانع وابستگی اقتصاد کشور به کمپانی‌های جهانی است (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۹/۲/۲۳). وابستگی اقتصادی نقطه مقابل استقلال اقتصادی است، مسئله‌ای که آسیب‌های زیادی از جمله وابستگی در دیگر ابعاد را به دنبال می‌آورد. وابستگی اقتصادی موجب تحمیل شدن دشمن بر ملت است، و در مقابل، قدرتمندی کشور مانع سلطه دشمنانش می‌شود (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۳۴۷).

یکی از ابعاد وابستگی اقتصادی آن است که کشوری به بازار مصرف قدرت‌های اقتصادی تبدیل شود؛ بنابراین، باید جلو وابستگی تجاری و اموری را که به ضرر کشور و منافع ملی است را گرفت (صحیفه امام (ره)، ۱۳۷۹، ج ۵: ۳۹۹). ایجاد خودکفایی و عدم نیاز به غرب از ابعاد استقلال در حوزه اقتصادی است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۹۱-۱۰۰). در این مسیر، توجه به مسئله کشاورزی ضروری است. پیشگیری از هدررفت آب‌ها و بهره‌گیری بهینه از زمین‌ها در بخش کشاورزی و صنایع کوچک زمینه‌ساز استقلال اقتصادی است (امام خمینی (ره)، ۱۳۷۹، ج ۱۷: ۵۰).

۳،۴. استقلال امنیتی و نظامی

یکی از پیش نیازهای مهم برای استقلال سیاسی و فرهنگی در کشور، استقلال نظامی و امنیتی است تا از رهگذر آن، بیگانگان درصدد توطئه و تسخیر سرزمین آنها نباشند. ولی استقلال نظامی و امنیتی صرفاً به معنای داشتن ارتش و یا سازمان اطلاعاتی قدرتمند نیست، چه آن‌که، ممکن است ارتش و نیروی نظامی مقتدر و درعین حال، وابسته باشد. چنان‌که، در زمان پهلوی دوم که نزدیک پنجاه‌هزار مستشار آمریکایی برای اداره ارتش ایران در کشور حضور داشتند، استقلال امنیتی و نظامی وجود نداشت و وابستگی تام امنیتی و نظامی در ایران مشهود بود (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۵: ۴۵-۵۰).

استقلال کشور در عرصه‌های دیگر نیز به داشتن استقلال نظامی و امنیتی منوط است. به این معنا که، کشوری که در زمینه نظامی و امنیتی وابسته باشد، توانایی کسب استقلال در دیگر زمینه‌ها را ندارد (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۲۰: ۴۲۰).

استقلال در نیروهای نظامی به این معناست که این نیروها تحت نظر نظام داخلی باشند و اجانب و کسانی که بیرون از کشور هستند در اداره آن دخالتی نداشته و روی آن نفوذ نداشته باشند. عرصه دیگر استقلال نظامی به نفوذ و دخالت در کیفیت تجهیز این نیروها بازمی‌گردد؛ به این معنا که، نیروهای نظامی و امنیتی توان استفاده از جنگ‌افزارها را نداشته باشند و در این زمینه، به قدرت‌های خارجی دیگر وابسته باشند که این نیز نوعی وابستگی نظامی و امنیتی به‌شمار می‌رود (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۵: ۴۵-۵۰).

۳،۵. استقلال قضائی

یکی از مهم‌ترین قلمروهای استقلال یک ملت، استقلال قضایی است به این معنا که، کشور در تصمیم‌گیری اجرای قوانین مربوط به حوزه قضایی مستقل باشد. با ایجاد استقلال قضائی در کشورهای مستقل، امکان تبعیض نسبت به شهروندان کشورهای خارجی وجود ندارد و قوه قضائیه کشور به شکل مستقل نسبت به همه، به انجام مسئولیت می‌پردازد. اهدای مصونیت قضایی به مستشاران خارجی در ایران و عدم صلاحیت قوه قضایی ایران در بررسی جرایم ایشان نمونه بارزی از وابستگی نظام قضایی در ایران پیش از انقلاب بود (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۱: ۴۱۵-۴۲۰).



در بُعد داخلی نیز نباید نفوذ و اعمال قدرت قوا و دستگاه‌های دیگر در روند دادرسی و انجام تشریفات اداری معمول در قوه قضائیه کارگر باشد. استقلال قضایی در این بُعد به این معناست که قاضی در اجرای حکم الهی، منتظر دستور کسی و منتهی از نهی کسی نشود و آنچه براساس احکام الهی برعهده او گذارده شده را انجام دهد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۶۸/۶/۲۰).

روش‌ها و راهبردهای دستیابی به استقلال و حفظ آن

دستیابی به استقلال همواره با هزینه‌های جدی همراه است و خون‌های زیادی از مردم ملت‌های مستقل در راه خروج از یوغ استعمار ریخته شده است؛ بنابراین، دستیابی به استقلال و حفظ آن اهمیت ویژه دارد و روش‌ها و راهبردهای دستیابی و حفظ آن نیز اهمیت مضاعفی می‌یابند. مهم‌ترین روش‌ها و راهبردهای دستیابی به استقلال و حفظ آن در اندیشه انقلاب اسلامی عبارت‌اند از:

مجاهدت و مقاومت

مهم‌ترین راهبرد دستیابی و حفظ استقلال مجاهدت و مقاومت در برابر سلطه‌گران است که برخی دیگر از راهبردهای خردتر در ذیل آن و به اقتضای مجاهدت در عرصه‌های گوناگون جای می‌گیرد. مجاهدت نیز بدون دستیابی به استقلال فکری و رسیدن به هویت ملی مستقل و خودسازی و معنویت حاصل نخواهد شد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۷/۲/۴؛ ۱۳۸۷/۳/۱۴؛ ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). از این منظر نگاه جهادی در همه عرصه‌ها و تسری مجاهدت به همه شئون است که موجب نیل ملت به استقلال و ایجاد عزت پایدار و همه‌جانبه برای کشور می‌شود (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲). منافع مختلف قدرت‌های استعمارگر موانع متعددی را فراروی ملتی که استقلال و آزادی خویش را مطالبه می‌کنند به‌وجود خواهد آورد و عبور از آنها نیازمند عزم و تصمیم آحاد مردم و باور به توانمندی‌های داخلی و صبوری در برابر دشواری‌هاست. شناخت یک ملت به قدرت و توان خویش در ابتکار و نوآوری و برآوردن نیازهای خود و این‌که می‌تواند با تلاش و توان خویش و با عزمی جزم و اراده‌ای آهنین و همتی عالی و پشتکاری دائمی به فعالیت و تلاش در مسیر رفع وابستگی‌ها و به‌دست



آوردن استقلال و خودکفایی در همه زمینه‌ها قیام کند و این‌که، در این راه هیچ چیز نمی‌تواند مانع رسیدن او به هدفش باشد، اهمیت بسیاری دارد. اگر ملتی بخواهد، می‌تواند بدون وابستگی‌ها زندگی کند و قدرتمندان جهان نمی‌توانند خلاف ایده آنان را بر ملتی تحمیل کنند (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۱۹۸)؛ بنابراین، برای این‌که سیاست‌بازان غرب و شرق، ملل مستقل را به سوی سلطه‌گران بین‌المللی نکشند باید هشیار و بیدار بود و با اراده مصمم و فعالیت و پشتکار خود به رفع وابستگی‌ها قیام کرد (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۱۸۴). بعد دیگر مقاومت ایستادگی فرهنگی در برابر نفوذ فرهنگی بیگانه است تلاش فعالان تمدن غربی متوجه این نقطه است که فرهنگ خودشان را بر ملت‌ها تحمیل کنند. ملت عزت‌طلبی که می‌خواهد مستقل باشد، باید در مقابل این حرکت مقاومت کند (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۸: ۴۷). الگوی سازش نقطه مقابل الگوی مقاومت است. برخی به اشتباه چنین تصور می‌کنند که اگر ملل مستقل تسلیم زور امریکا و استبداد جهانی شود، حال و زندگی خوبی خواهد داشت. شاهد این امر کشورهایی است که تسلیم شده‌اند. در این کشورها وضع فاجعه‌باری حاکم است؛ بنابراین، عزت، رفاه، آزادی و استقلال، در سایه ایستادگی مقابل استکبار جهانی به دست می‌آید (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۱: ۱۱۸). دست دوستی التماس‌آمیز و حقارت‌آمیز به سوی قدرت‌ها مشکلات اقتصادی کشور را هرگز يك شَبِه حل نخواهد کرد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۷: ۶).

گفتمان‌سازی

به منظور ایجاد ارزش در جامعه و ترغیب جامعه به انجام کاری باید نخست نسبت به آن ارزش در سطح عموم جامعه گفتمان‌سازی صورت بگیرد؛ بنابراین، تا وقتی استقلال و استقلال‌خواهی به‌عنوان یک خواست عمومی در میان مردم یک کشور طرح نشود، حرکت به سمت استقلال معنا ندارد و با پشتوانه مردمی همراه نخواهد بود. از همین روی، تبلیغات و ایجاد زمینه ذهنی مثبت یا منفی به منظور ایجاد انگیزه و با بازداشتن ذهن مردم نسبت به امور از مهم‌ترین راهبردهای دستیابی به اهداف است (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲)؛ بنابراین، گفتمان‌سازی به تربیت صحیح از طریق آموزش و ارزش‌سازی نیاز دارد.



عمیق ترین سطح گفتمان سازی: تربیت

برای کسب و حفظ استقلال همه جانبه کشور می باید نیروی انسانی مناسبی تربیت شود که هویت ایرانی - اسلامی خویش را به خوبی بشناسد و به توانمندی های خویش ایمان آورده باشد و همان گونه که از برترین پیشرفت های عملی و دستاوردهای روز دنیا بهره می برد، مرعوب صنعت یا رشد تکنولوژی در دنیا نشود و بکوشد تا کشورش را از انواع وابستگی ها برهاند.

مسلم است که بیشتر افراد مؤثر در نظام اجتماعی را دانشگاه ها می سازند. اگر دانشگاه ها و مراکز تعلیم و تربیت دیگر در راه منافع کشور به تعلیم و تربیت و تهذیب کودکان و نوجوانان و جوانان با برنامه های اسلامی و علمی جریان داشتند، هرگز ملت های مستضعف در سلطه انگلستان و پس از آن، آمریکا و شوروی نمی ماندند (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۱۹۲). با این ارزیابی، اتفاقی نیست که مراکز تعلیم و تربیت کشورها، و از جمله کشور ایران، از دبستان تا دانشگاه هدف تاخت و تاز استعمارگران، قرار گرفتند (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۱۵: ۱۶۰).

تولید علم و توسعه مراکز علمی و پژوهشی به منظور تأمین استقلال هویتی و فکری

استقلال، در گرو تولید علم و دانش است. اگر جامعه دینی، از استقلال و مبارزه با شرک و بسط عدالت اجتماعی دم می زند، باید پایه های قدرت خود را، که همگی بر علم مبتنی هستند، برجسته کند. جامعه دینی جامعه ای پویا، هوشیار، نقاد، دشمن شناس، محیط شناس، هدف دار، پرنشاط، بامعنویت و فراگیر است. بر این اساس، تمام این عوامل باید به صورت منسجم و علمی ارائه شوند، که این خود تولید علم است. علاوه بر آن، اسلام دینی است که داعیه استقلال، مدیریت و امنیت جهانی دارد، پس همه علوم آن باید جهانی و فراگیر شوند (موسوی مقدم، ۱۳۸۴، ج ۳۰: ۵). مهم ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی کشور توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعان و مکتشفان و نیروهای متعهد و متخصص است.

از سوی دیگر، یکی از مشکلات کنونی جوامع اسلامی، فقدان تولید علم و به تبع آن فقدان امنیت و اقتدار است و از آنجا که، استقلال در گرو تولید علم و دانش است، استقلال خواهی



و مبارزه با ساختار نظام سلطه مقتضی پی‌ریزی پایه‌های قدرت بر علم و فناوری است. در فرهنگ و میراث علمی، فرهنگی و دینی اسلام غنای فکری و مواد لازم در تمام عرصه‌های علمی، از جمله تاریخ، فلسفه، فلسفه دین، هنر و ادبیات و بسیاری از علوم انسانی دیگری که حتی دیگران آنها را ساخته‌اند، وجود دارد و می‌توان با اتکا به این میراث غنی بنایی مستقل ساخت (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۴: ۲۵۷).

حفظ هویت، موجودیت، استقلال و آینده ملت در گرو تحقیقات علمی است که باید آن را جدی گرفت (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۶: ۲۳). یکی از نگرانی‌های غربی‌ها تولید علم است؛ زیرا، برخلاف فلسفه استکباری که خواهان استیلا بر کشورهاست، آنها دریافته‌اند که اگر ملتی توانست بر قله این فناوری بنشیند، سخن حق او در دنیا، که همان استقلال امت اسلامی و عزت اسلامی است، بیشتر در بین مسلمان‌ها و در جوامع اسلامی جایگزین خواهد شد و ذهن‌ها بیشتر آن را قبول خواهند کرد؛ خشم و ناراحتی و جنجال غربی‌ها از فناوری هسته‌ای جلوگیری از حفظ استقلال ملی است (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۳: ۵۴، محور ۶ و ۷).

کاربست سبک زندگی الهی در سایه اخلاق و ایمان

معرفت روشن و عمیق مردم مهم‌ترین عامل دفاع از گوهر گران‌بهای استقلال کشور و انقلاب عظیم در مقابل دشمن است (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۱: ۱۱۱، محور ۷). رشد جامعه اسلامی و تضمین استقلال در سایه اخلاق و ایمان است؛ امری که توجه مسلمین دنیا را جلب می‌کند تا راه هدایتشان را در اسلام پیدا کنند (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۳، ۱۲۷، محور ۷). در این راستا کسانی که نادانسته سعی می‌کنند روح ایمان و تمسک به اسلام را از ملت ایران بگیرند، پایه‌های استقلال ملل مستقل را سست می‌کنند (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۴: ۹۲ و ۹۹، محور ۶).

اگر ملتی از لحاظ سیاسی تحت تأثیر قدرت‌های بزرگ نباشد و از لحاظ اقتصادی هم به خودکفایی کامل برسد، ولی فرهنگ و اخلاق و عقاید و باورهای دشمنان و بیگانگان در میان این ملت رواج داشته باشد و رشد کند، این ملت نمی‌تواند ادعای استقلال کند. امروزه در دنیا، سررشته فرهنگ دست عده‌ای است که چگونگی مد لباس و پوشش و کیفیت زندگی



و نشست و برخاست و اخلاق و معرفت را برای انسان‌های بی‌گناه و بی‌خبر در سرتاسر عالم رقم می‌زند و تعیین سرمشق می‌کنند. اگر ملتی بتواند خود را از سرایت موج مسموم فرهنگی ساخته و پرداخته بیگانگان حفظ کند، مستقل خواهد بود؛ ولی اگر نتواند و تحت تأثیر غلبه فرهنگ بیگانه قرار بگیرد، ملتی وابسته و اسیر است (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۶۸، ۳۷۵، محور ۶ و ۷). اسلام تکلیف مسلمانان را در معاشرت، کیفیت زندگی فردی، خورد و خوراک، لباس پوشیدن، روابط با حکومت، روابط با یکدیگر و در معاملات معین کرده است و تقلید و سلطه غرب در این امور مناسب شأن ملت مستقل نیست (حدیث ولایت، ج ۴: ۵۰).

خودکفایی و خوداتکایی ملی

یکی از راهکارهای عملی ملت‌های اسلامی برای مقابله با سلطه‌جویی دولت‌های قدرتمند غربی، تلاش برای رهایی از وابستگی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی به قدرت‌های استعمارگر است؛ زیرا، رشد و استقلال و آزادی با وجود دخالت اجنبی، از هر جنس و مسلک و مکتب، در هر امری از امور کشور اعم از سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی، خواب و خیالی بیش نیست (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۲: ۱۱۳). تمام گرفتاری مسلمانان تاکنون از وابستگی به خارج ناشی شده است؛ بنابراین، باید سعی کنند کشور خود را با استقلال تمام، بدون وابستگی در هیچ امری از امور، اداره کنند. پس، هدف ساختن کشوری است که بتواند بدون اتکا به قدرت‌های جهان‌خوار بین‌المللی، استقلال سیاسی، نظامی، فرهنگی و اقتصادی خویش را به دست گیرد و هویت اصیل خویش را به جهان عرضه کند (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۸: ۹۱).

وحدت

وحدت و انسجام جامعه زمینه رشد اقتصادی و استقلال همه‌جانبه را بیش از پیش تأمین می‌کند (همان، ۲۵۶/۱۷) و روشن است که برای دستیابی به استقلال و آزادی نمی‌توان به امید کمک بیگانگان بود که خود منشأ وابستگی هستند (وصیت‌نامه: ۲۲).

یکپارچگی و همّت مردم، دولت و مسئولان، موجب می‌شود که کشور به سوی سازندگی و آبادی پیش رود و درحالی‌که دشمن خواهان ناکامی ملل مستقل در نیل به اهدافشان است، حفظ یکپارچگی مردم عزّت جهانی را روزبه‌روز افزایش داده و کشوری مقتدر و سربلند برایشان به ارمغان خواهد آورد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۷۲: ۱۹).

ارتقای آموزش نظامی جامعه

آموزش نظامی در سطح جامعه، و بسیج عموم می‌تواند سد محکمی در برابر تهاجم خارجی و توطئه‌های داخلی، نظام سیاسی اسلامی را حفظ و بقای آن را تضمین کند.

گسترش و تقویت ارتباطات و مراودات عزت‌مندانه

راه‌های متعددی برای حفظ استقلال جوامع وجود دارد. یکی از این راه‌ها انزوای طلبی است که برای رسیدن به این هدف باید ارتباط خود را به کلی با جهان خارج قطع کنند؛ ولی گفتمان انقلاب اسلامی رهایی از انزوای طلبی است. براین اساس، ضمن دوستی با همه ملت‌های عالم، روابطی حسنه و با احترام متقابل نسبت به همه کشورهای مطالبه می‌شود، مگر دولت‌هایی که با ملت‌های مستقل، بد رفتار کنند و در پی ظلم و سلطه‌جویی برآیند (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۴: ۳۶۴)؛ بنابراین، انزواجویی به معنای جدایی و انزعال یک کشور از دنیا معقول نیست. امروز دنیا به مثابه یک شهر است و دارای محله‌های مختلفی است که با هم در ارتباط‌اند. اسلام یک نظام اجتماعی و حکومتی است و می‌خواهد با همه عالم روابط داشته باشد (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۱۹: ۴۱۳).

در اندیشه انقلاب اسلامی، اصل بر رابطه با دیگر دولت‌هاست، مگر این‌که، مانعی باشد یا استقلال جامعه از دست رفته باشد. در اینجا راهی جز قطع رابطه و بریدن از جهان سلطه‌گر نیست؛ بنابراین، اولاً، استقلال امری اکتسابی و به‌دست‌آمده است و دوم این‌که، با استقلال می‌توان با جوامع دیگر ارتباط و مبادله داشت و سوم آن‌که باید تمام رگه‌های وابستگی را در دراز مدت قطع کرد (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۲۱: ۲۹۰). استقلال هنگامی در جامعه تحقق می‌یابد که وابستگی فکری یا عملی به بیگانگان نباشد و آنها نتوانند در مقدرات جامعه نقشی داشته باشند و یا آسیبی به جامعه برسانند. ولی حفظ اصل تمدن و ارتباط با بیگانگان با اصل استقلال تعارضی ندارد. اسلام می‌خواهد که هیچ‌یک از افراد مملکت اسلامی وابسته و تحت نفوذ دیگری نباشد (امام خمینی (ره) ۱۳۷۹، ج ۵: ۲۹۵).



حفظ عدالت و آزادی‌های مشروع در جامعه و گسترش آن

عدالت به معنای کم کردن فاصله‌ها، دادن فرصت‌های برابر، تشویق درستکار و مهار متجاوزان به ثروت ملی است و توجه به بُعد حکومتی و ترویج آن در بدنه حاکمیتی مانند عزل و نصب‌ها، قضاوت‌ها، اظهارنظرها، توجه به مناطق دوردست کشور و مناطق فقیر همانند مرکز کشور، رساندن منابع مالی کشور به همه مردم و همه را صاحب و مالک این منابع دانستن از قدرمسلم‌ها و مورد اتفاق‌های عدالت است که باید انجام گیرد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۵/۳/۲۹). آزادی یکی از بزرگ‌ترین نعمت‌های الهی است که یکی از شعب آن آزاداندیشی است؛ چراکه، بدون آزاداندیشی، این رشد اجتماعی، علمی، فکری و فلسفی امکان ندارد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۵/۳/۲۹). برای دستیابی به استقلال باید عدالت و آزادی‌های مشروع در جامعه رواج داشته و حفظ شود تا امکان بالندگی در همه عرصه‌ها فراهم شده و استقلال تأمین شود (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۷/۲/۱۴؛ ۱۳۸۰/۸/۱۲؛ ۱۳۸۲/۵/۱۵).

کار و تلاش مجاهدانه

همان‌گونه که لازم است از استقلال در قلمروهای گوناگون محافظت شود تا ملتی مستقل بماند، برای دستیابی به استقلال نیز باید در عرصه‌های گوناگون کار و تلاش مجاهدانه انجام شود تا وابستگی به استعمار قطع شود. نخستین عرصه کار و تلاش مجاهدانه عرصه علمی و فکری است که این امر در حوزه و دانشگاه صورت می‌پذیرد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۸۹/۴/۲). در عرصه اقتصادی نیز با کار جهادی و اقتصاد مقاومتی می‌توان استقلال اقتصادی را تأمین کرد (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰). در عرصه نظامی و امنیتی نیز با تلاش جهادگونه می‌توان خودکفایی نظامی امنیتی را تجربه کرد و به استقلال نظامی امنیتی دست یافت (مقام معظم رهبری (مدظله)، ۱۳۹۷/۱۱/۱۹).



منابع

- وصیت‌نامه امام خمینی (ره).
- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله).
- آقابخش علی و مینو افشاری‌راد (۱۳۷۶). فرهنگ علوم سیاسی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- امام خمینی (ره)، سید روح‌الله، آیین انقلاب اسلامی، گزیده‌ای از اندیشه و آرای امام خمینی (ره)، دفتر نهم از آثار موضوعی تبیان، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، جلد ۱، (۲۴۹)
- امام خمینی (ره)، سید روح‌الله (۱۳۷۹). صحیفه امام خمینی (ره)، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- تقی‌زاده انصاری، محمد (۱۳۷۹). «استقلال سیاسی و استقلال اقتصادی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پانیز، صفحه ۸۷-۱۱۸
- جمعی از محققین، دانشنامه امام خمینی (ره)، قم، بی‌نا، بی‌تا.
- دهخدا علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، ذیل واژه استقلال
- عمار، محمداسماعیل (۱۳۹۱). «رابطه استقلال و پیشرفت سیاسی در الگوی پیشرفت اسلامی»، معرفت، فروردین، شماره ۱۷۲، صفحه ۱۱۷-۱۳۶.
- قاضی‌زاده، کاظم (۱۳۷۷). اندیشه‌های فقهی-سیاسی امام خمینی (ره)، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- محمد هاشمی، حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، ج ۱.
- مطهری مرتضی (۱۳۸۷). پیرامون انقلاب اسلامی، تهران، مؤسسه انتشارات صدرا.
- منصوری، جواد (۱۳۹۰). آشنایی با انقلاب اسلامی ایران، قم، دفتر نشر معارف، چاپ پنجم.
- منصوری، جواد (۱۳۶۶). فرهنگ استقلال، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، چاپخانه دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- مورگنتا، هانس جی. سیاست میان ملت‌ها، ترجمه حمیرا مشیرزاده.
- موسوی مقدم سید رحمت‌الله (۱۳۸۴). «نقش مبانی اعتقادی در توسعه علم»، جنبش نرم‌افزاری و استقلال ملی، آبان، ش ۱۰.
- مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت، اقتصاد و سیاست اقتصادی در جمهوری اسلامی.
- نرم افزار حدیث ولایت.

- Hague, Ros, Autonomy and Identity: *The Politics of Who We Are*, Routledge,

